



**PERSIAN A1 – STANDARD LEVEL – PAPER 1**  
**PERSAN A1 – NIVEAU MOYEN – ÉPREUVE 1**  
**PERSA A1 – NIVEL MEDIO – PRUEBA 1**

Thursday 13 May 2010 (afternoon)  
Jeudi 13 mai 2010 (après-midi)  
Jueves 13 de mayo de 2010 (tarde)

1 hour 30 minutes / 1 heure 30 minutes / 1 hora 30 minutos

---

**INSTRUCTIONS TO CANDIDATES**

- Do not open this examination paper until instructed to do so.
- Write a commentary on one passage only. It is not compulsory for you to respond directly to the guiding questions provided. However, you may use them if you wish.

**INSTRUCTIONS DESTINÉES AUX CANDIDATS**

- N'ouvrez pas cette épreuve avant d'y être autorisé(e).
- Rédigez un commentaire sur un seul des passages. Le commentaire ne doit pas nécessairement répondre aux questions d'orientation fournies. Vous pouvez toutefois les utiliser si vous le désirez.

**INSTRUCCIONES PARA LOS ALUMNOS**

- No abra esta prueba hasta que se lo autoricen.
- Escriba un comentario sobre un solo fragmento. No es obligatorio responder directamente a las preguntas que se ofrecen a modo de guía. Sin embargo, puede usarlas si lo desea.

یکی از دو متن زیر را بررسی و تفسیر کنید:

۱.

چنین گویند که ملک پرویز بهرام چوبین را در ابتدا سخت نیکو می داشت چنانکه یک ساعت بی او نبودی و بر شراب و شکار و خلوت او را از خویشتن جدا نکردی و این بهرام چوبین سواری بیگانه بود و مبارزی بی همتا. مگر روزی ملک پرویز را از اعمال هرات و سرخس سیصد اشتر سرخ موی آوردند بر هر یکی خرواری بار از حوایج و دیگر متاع. بفرمود تا همچنان جمله را بسرای بهرام بردند تا او را در خانه و مطبخ فراخی بود. دیگر روز پرویز را خبر آوردند: «دوش بهرام چوبین غلامی را فرو کشید از آن خویشتن و بیست چوب بزد.»

ملک پرویز را خشم آمد. بفرمود تا بهرام را بخواندند. چون بهرام بیآمد بفرمود تا از سلاح خانه تیغی پانصد بیاوردند. گفت: «ای بهرام هر چه از این تیغها بهتر است جدا کن.» بهرام تیغی بر گزید. گفت: «اکنون آنچه خیاره تراست از این گزیده ها بیرون کن.» بهرام ده تیغ جدا کرد. ملک پرویز گفت: «از این ده تیغ دو تا بگزین.» دو تیغ بر گزید. گفت: «اکنون بفرمای تا این هر دو تیغ را در یک نیام بسپارد.» بهرام گفت: «ایها الملک در یک نیام نیکو نیاید.» پرویز گفت: «دو فرمان ده در یک شهر چون نیکو آید؟» بهرام چون این سخن بشنید در حال در زمین افتاد و خدمت کرد و عذر خواست و بدانست که خطا کرده است. ملک پرویز گفت: «اگر نه آنستی که ترا بر من حق خدمت است و بر کشیده خویش را نخواهم که بیفگنم والا از تو در نگذاشتمی. این کار بما دست بازدار که خدای عز و جل مرا بر زمین داور کرده است نه ترا. هر که را داوری باشد حال آن بما بر باید داشت تا آنچه واجب کند اندر آن براستی بفرماییم و اگر بعد این

20 از زیر دستی و درم خریده ای گناهی دیدار آید نخست باید که معلوم ما گردانی تا آنچه واجب آید از تأدیب ما فرماییم تا هیچ کس را بنا واجب رنجی نرسد. این یک بار ترا عفو کردیم.»

### نظام الملک، سیاست نامه

- محل وقوع در این قسمت داستان چه نقشی دارد؟
- رابطه بین شاه و بهرام چوبین چگونه توصیف شده است؟
- مؤلف چگونه/به کمک کدام وسایل ادبی توانسته است نقطه نظر خود را در مورد عدالت به خواننده انتقال دهد؟
- نویسنده از چه تصویرهایی (ایماژهایی) برای توصیف شخصیت بهرام چوبین استفاده می کند؟

صبح آمده است

تو رفته ای

عشق آمده است

تو نیستی

5 چه میشود کرد

رنگ دیوار به پرده ها نمی خورد

رنگ قالی به هیچکدام

امروز تولد دوک الینگتون است

در کاخ سفید هم رادیو می گفت جشنی بر پاست

10 شکر که کلاه سفید ها دوک نخوردند

شکر که دوک گذری به آلاباما نکرد

شکر که اگر تونیستی تنهایی هست

شکر که فصل پاییزه این فصل

دوره گرد می خواند انار نو بر پاییزه انار

15 من هم می خواهم به سلامتی دوک گیلانی بزمن

و بزمن زیر گریه

همه توی این ملک مثل هم اند

چه فرق می کند

آدم صبح می بزند یا شب.

صفارزاده، عاشقانه

- موضوع این قشمت منتخب، چه نوع رویارویی می باشد؟
  - نویسنده، فضای این صحنه را چگونه ایجاد می کند؟
  - عنوان "عاشقانه" در حال که مؤلف در این شعر وصف می کند چه ربطی دارد؟
-